

مدرسهٔ تئوری

شماره ۴۴ پاییز

No.44 Autumn 2016

۱۳۹۴-۱۵۴

زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۲/۱

زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۶/۲۳

تبیین مولفه‌های معماری حاکم بر بناهای عبادی از منظر حکمی و پدیدارشناسی

فرزانه هدفی* - دکتری تخصصی معماری، هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد هریس، دانشگاه آزاد اسلامی، هریس، ایران.

رامین مغانی قهرمانلویی - کارشناسی ارشد معماری، گروه هنر و معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

Architectural component of the religious monuments of philosophical and phenomenological perspective

Abstract

Traditionally places of worship, the most ultimate bed and the spiritual evolution of mankind and the spiritual and sacred architecture believers has created a platform for collective worship. In between and among religions and social aspects highlighted that place of worship in Islam are created for the collective worship, is of utmost importance. That's why researchers and experts in Islamic architecture reviews and attitude to religious monuments, numerous methods have been used. So that each of theorists over time with different attitudes have interpreted the phenomenon of Islamic architecture; It is important to note that phenomenology in the process of cognitive reasoning and thinking power is sufficient. In contrast, the scholar of Islamic architecture in addition to enjoying the look of contemplation wisdom and knowledge of Islamic law to become liturgical architecture; this study philosophy and phenomenology, reviews and analysis in this way is recognition of religious monuments. The research method is qualitative and descriptive - analysis. In the case of religious buildings in Iran; and the results of this paper, readings from sacred component in the structure and form of worship as the notion of sacred buildings in the design of places of worship. Thus, the analytical findings of this paper is to identify factors that influence led promoting Iranian mosques architecture and how the presence of these components in the architecture of mosques and archetypes is schematically presented and analyzed; The process leading to the search for quality has been analyzed in this article; that more than anything in the promotion of the fundamental components in different parts of the mosque convenience.

Key words: places of worship, wisdom, phenomenology, elements of Islamic architecture.

چکیده

از دیباز مکان‌های عبادی، غایی ترین بستر تکامل و تعالی روحی آدمیان بوده و معماری روحانی و قدسی محیطی جهت عبادت جمعی مومنین خلق نموده است. در این بین و از میان ادیان الهی جنبه اجتماعی عبادت در اسلام پررنگ تر بوده و مکان خلق شده برای این عبادت جمعی، از اهمیت بسزایی برخوردار است. به همین دلیل پژوهشگران و صاحب نظران در بررسی و نگرش به معماری اسلامی بناهای عبادی، از روش‌های متعددی بهره گرفته اند؛ به نحوی که هر یک از نظریه پردازان در گذر زمان با نگرش‌های متفاوت پدیده معماری اسلامی را تفسیر کرده اند. نکته حائز اهمیت این است که پدیدارشناس در روند شناخت تنها به قدرت تعلق و تفکر بسته نموده است و در مقابل، محقق و پژوهشگر معماری اسلامی علاوه بر قدرت تعلق و تفکر با بهره گیری از نگاه حکمت آمیز و احکام اسلامی به معماری بناهای عبادی معرفت پیدا می‌کند. هدف این مقاله بررسی حکمت و پدیدارشناسی به عنوان دو روش شناخت شناسی مطرح در میان شیوه‌های نگرش به معماری اسلامی، و بررسی و تجزیه و تحلیل این روش‌ها در بازشناخت بناهای عبادی مندرج در این مقاله است. روش تحقیق در این مقاله از نوع کیفی و به صورت توصیفی- تحلیلی بوده که در آن به تحلیل موردی بناهای عبادی ایرانی می‌پردازد و نتایج حاصل از این مقاله، قرائت از مولفه‌های قدسی در ساختار و فرم بناهای عبادی به عنوان انگاره‌های قدسی حاکم بر طراحی فضاهای عبادی می‌باشد. روش نتیجه گیری این مقاله بصورت استنتاجی است که به طریق استدلال، گواه و شاهد از بحث‌های قیاسی حاصل می‌آید. بدین ترتیب، یافته‌های تحلیلی این مقاله، به بازشناخت مولفه‌های ارتقا دهنده معماری مساجد ایران منجر گردیده که تاثیر و نحوه حضور این مولفه‌ها در معماری مساجد و کهن الگوها به صورت شماتیک ارایه و تحلیل شده است. فرآیند تحلیل در این مقاله منجر به جستجوی کیفیتی شده است که بیش از هر چیز بر ارتقاء مولفه‌های بنیادین در بخش‌های مختلف معماری مساجد تکیه دارد.

وازگان کلیدی: فضاهای عبادی، حکمت، پدیدارشناسی، مولفه‌های معماری اسلامی.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۳۷۶۵۴۵۳، رایانمه: Farzanehadafi@gmail.com

مقاله حاضر برگفته از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده دوم بوده که بدینوسیله از معاونت پژوهش دانشگاه آزاد اسلامی هریس قدردانی می‌گردد.

مقدمه

به بررسی برخی از نکات و مولفه های مشترک می پردازد که در معماری بناهای عبادی در ارتباط با مفهوم پدیدارشناسی و حکمت وجود دارد و از آن به عنوان انگاره های مشترک در معماری اکثر بناهای عبادی یاد شده است. بخش چهارم، نیز به نتیجه گیری و تبیین جدول مولفه های بنیادین اختصاص دارد. پرسش اصلی مقاله این است که مولفه های مشترک کالبدی- محتوایی بناهای عبادی از منظر حکمت و پدیدارشناسی چیست؟ روش تحقیقی مورد استفاده در این مقاله بر مبنای «روش تحلیلی» می باشد که با «رویکرد تفسیری- تحلیلی» به تحلیل نمونه های موردي با تاکید بر مفاهیم حکمت و پدیدارشناسی پرداخته، از مقایسه آنها چارچوب نظری ترسیم گردیده و سپس به معرفی مولفه های قدسی در ساختار و فرم بناهای عبادی به عنوان انگاره های قدسی حاکم بر طراحی فضاهای عبادی پرداخته است. این چارچوب در (تصویر ۱) ارائه گردیده است.

مبانی نظری فضاهای عبادی

مهتمرين رکن در معماری اسلامی، کالبدی کردن باورهای معنوی و روحانی نهفته در روح و ذات اعتقادات دینی است. معماری اسلامی به دلیل استفاده از عناصر و مولفه ها، و بهره گیری از محیط پیرامون خود همواره تحت تاثیر ایدئولوژی های شکل دهنده آن قرار داشته است. گذر زمان بر معماری اسلامی، بیانگر آن است که طیف متنوعی از نگرش ها و معانی معماری اسلامی در معماری بناهای عبادی مختلف وجود داشته و سبب شده تا در معماری فضاهای قدسی رویکرد متنوعی در راستای تعامل معماري اسلامي با فضاهای عبادی شکل گيرد. فضاهای عبادی به خصوص مساجد در اسلام به عنوان اولين و با اهميت ترين نهاد اجتماعي داراي وظایف و کارکردهای زيادي بوده، به گونه اي که افزون بر مهمترین کارکرد آن يعني عبادت، فعالiteای همچون آموزشی، تجاري، نظامي

بررسی و تحقیق پیرامون بناهای عبادی از مهمترین موضوعات مورد توجه معماران و شرق شناسان است. با بازنگری معماری بناهای عبادی در گذر زمان این نتیجه حاصل می شود که در طول تاریخ وجود نگرش احترام آميز و همراه با تقدس به بناهای عبادی در معماری اسلامی سبب شده، انسان همواره با مقدس و ملکوتی شمردن آن در حفظ و تکریم آن اهتمام ورزد. لیکن در عصر کنونی به دلیل گسترش نگرش بهره وری هرچه بیشتر معماري، تسلط عملکرد بر ماهیت بنا و اولویت دهی به رفع نیازهای کنونی معماری، محتوا و معنی در معماری بناها از جمله بناهای عبادی تغیير یافته و حتی منجر به افول معماری قدسی شده است. بنابراین بنظر می رسد بازخوانی ایدئولوژی و جهان بینی محتوایي انسان عصر کنونی نسبت به معماری بناهای عبادی کهن در احیا معانی بکار گرفته شده در آنها حائز اهمیت بوده و بازبینی گذشته از منظر رابطه معنا با معماری بناهای عبادی می تواند در بازتعريف ویژگی های فضاهای قدسی نقش موثری ايفاد نماید. ساختار محتوایي این مقاله در چند بخش تدوین گردیده است.

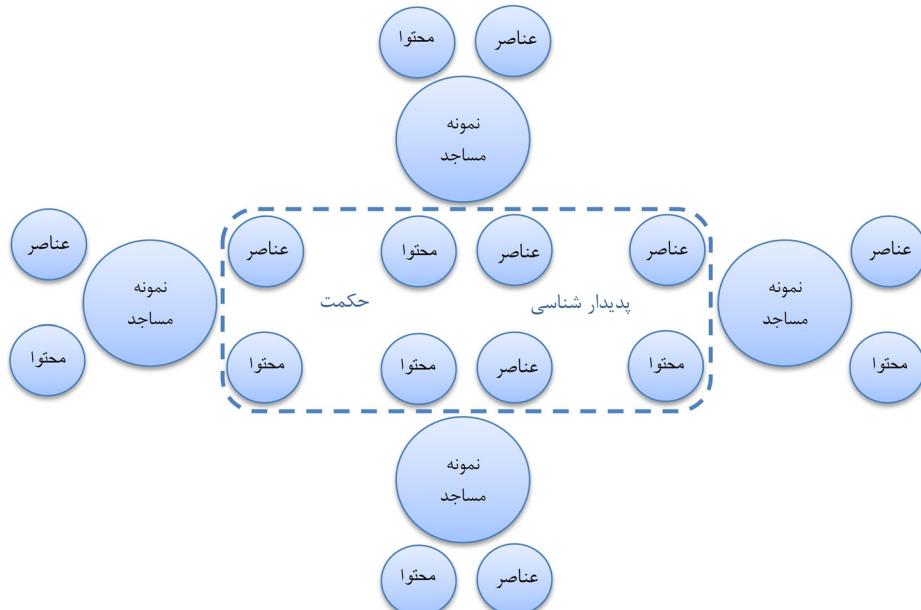
مواد و روشها

بخش اول مقاله، به معرفی بناهای عبادی و روش های شناخت معماری اسلامی مانند حکمت و پدیدارشناسی با بررسی لغوی، معنایی و محتوایی و مقایسه آنها می پردازد. بخش دوم، به بررسی نمونه های موردي بناهای عبادی پرداخته و با بهره گیری از مفاهیم حکمت و پدیدارشناسی، مولفه ها و انگاره های قدسی موثر در شکل گیری معماری بناهای عبادی را ارائه می نماید. بدیهی است به دلیل تعدد بناهای عبادی در سرزمین ها و زمان های مختلف، مطالعه تمامی آنان محدود نبوده و در این مقاله به مطالعه محدود بناهای عبادی پرداخته شده که واجد آثار ارزشمند و تاثیرگذار در حوزه معماری می باشند. بخش سوم،

دریس شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۱۴۰



تصویر۱. چارچوب شکلی - محتوایی مقاله؛ مأخذ: نگارندگان.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۱۴۱

تلاقی دین و معماری اسلامی در معماری بناهای عبادی

بناهای عبادی در تاریخ معماری، همواره نقطه تلاقی و به اوچ رسیدن هنر و معماری اسلامی بوده‌اند. به عبارت دیگر، معماری بناهای عبادی دارای تلاقی و اشتراکاتی است که در کالبد مساجد و در مجموعه‌ای از جلوه‌های هنری قابل مشاهده بوده و به عنوان هنر پرستشگاهی یا معماری قدسی یاد می‌شود. هدف غایی هنر مقدس، فراخوانی و یادآوری احساسات یا انتقال تاثرات نیست، بلکه هنر مقدس، رمز است و بدین علت جز مولفه‌های ساده و اولین و اصلی، از هر دستاورده مستغنی است... هنر مقدس سرشت رمزی عالم است و بدین گونه روح انسان را از قید متعلق به واقعیات درشتناک و ناپایدار می‌رهاند، کاربران این نگاه، معماری را در کالبد آن نمی‌بینند بلکه آن را نمودی از معانی پرمز و راز می‌دانند. در اینجا شی یا اثر هنری ابزاری است برای رساندن پیام‌های معنوی و معنایی. محققین

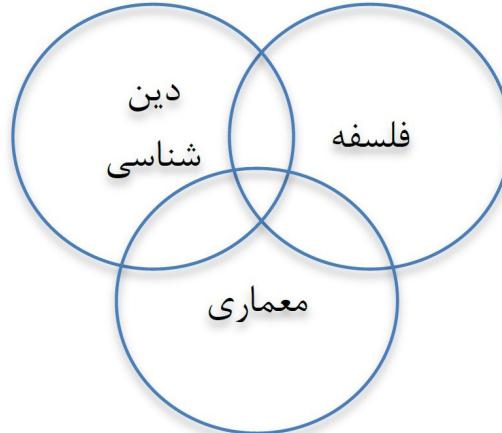
و سیاسی نیز در آن جریان داشته است. مساجد به ویژه در سده‌های میانه، فعالیت‌های گسترده‌تری از فعالیت‌های غیرعبادی یافتنند (هیلن براند، ۱۳۸۰، ص ۴۲). مسجد نه تنها به عنوان جایگاه اصلی اجتماع مومنان برای برگزاری مراسم مورد استفاده بوده، بلکه کانون معارف و احکام اسلامی، مرکز جهاد تبلیغاتی و ارشادی، قرارگاه سیاسی و اداره دولت نیز به شمار می‌رفته است (زرگر، ۱۳۸۶، ص ۱۴). این چنین نگرشی به مسجد عنوان کانون عبادی از دید معماری اسلامی منجر به ایجاد مولفه‌های متنوعی در طراحی اثر شده و موجبات شکل‌گیری الگوهای متفاوتی از ارتباط معماری با این فضاهای گردیده است. بنابراین معمار و طراح در سازمان دهی به معماری مسجد، الگوی متناسب با دیدگاه‌های مختلف را برگزیده که در این میان می‌توان به تناسب، عملکرد، ساختار، فرم، زیبایی، و سازه اشاره کرد که در یک روند تدریجی در معماری مساجد در طول تاریخ قابل مشاهده بوده و بنابراین فضاهای عبادی از منظر کالبد و معنا و

(پس به هر طرف روکنید، به سوی خدا رو آورده اید (بقره - ۱۱۵) (نصر، ۱۳۷۵، ص ۱۰)). در نتیجه باید به این نکته اشاره کرد که معماری فضاهای عبادی از یک ریشه اعتقادی واحد سرچشمه گرفته است که آن اعتقاد عبارت از باورهای آن هنرمندی بوده که به اسلام معتقد بوده و اسلام را دین خودش قرار داده، که بازده آن به صورت هنر تجلی یافته است (مظلومی، ۱۳۶۶، ص ۲۰۲).

حکمت

لغت نامه دهخدا حکمت را «دانایی و معرفت» معنی کرده است. در کاربردهای لغوی واژه حکمت، استواری و منع از نقص و خلل و تباہی ماخوذ و مقصود است. حکمت بر اساس تقسیم آن بر پایه قوای نفس، دو شاخه نظری و عملی را شامل می‌شود. حکما از دیرباز، بر همراه بودن تحصیل و تکمیل این دو شاخه برای تحقق تعریف و معنای حکمت تاکید داشته اند. «بوعلی سینا»، در تعریفی که از واژه حکمت ارائه می‌کند، معتقد است بخشی از حکمت مربوط به قلمروی خارج از قلمرو اراده و عمل انسان و نیز اختیار اوست. این فلسفه نظری عبارت است از نگاه به دنیا، دیدن آن حقایق، رسیدن به آن حقایق، این حکمت، حکمت نظری است. اما حکمت عملی به لحاظ داشتن بن مایه‌های کاربردی و عملی برای تکمیل و تعالی نفس، با تزکیه نفس ملازم است. غایت حکمت، کمال نفس و تزکیه آن بوده است در حقیقت، حکمت، عامل اصلی فهم صحیح مسائل فلسفی است.

نصر در تبیین مفهوم حکمت در فرهنگ اسلامی می‌نویسد، با این تعاریف که «ملاصdra» در کتاب رسائل داده است، حکمت نوعی دانش ناب عقلانی است که داننده خود را در روند دانش‌اندوزی به گونه‌ای دگرگون می‌سازد که ظاهری بدل به آیین‌های می‌گردد که سلسله مراتب کیهانی در آن انعکاس می‌یابد (نصر، ۱۳۷۰، ص ۵۶). از نظر بورکهارت نیز حکمت معماری اسلامی منجر به نهادینه شدن سنتی شده که آثار معماری دوران



تصویر ۲. ارتباط سه دنیای مختلف علوم؛ مأخذ معماریان، ۴۲۷، ص ۱۳۹۰.

این حوزه از دنیای فلسفه و دین شناسی و تاریخ هنر بهره می‌گیرند.

«تیتوس بورکهات» ۱ در خصوص این ارتباط میان کالبد و هنر اسلامی با کتاب الهی چنین اظهار نموده، مهمترین حلقه ای که هنر اسلامی را با قران کریم پیوند می‌دهد، نه در شکل قرآن کریم، بلکه در حقیقت آن نهفته است. هنر اسلامی ذاتاً طرحی است از جنبه‌ها یا ابعاد وحدت الهی (بورکهات، ۱۳۷۴، ص ۵۸). وی در بیان دیگر به ارتباط نهفته در دین و معماری اسلامی اشاره می‌کند دین در هنر اسلامی موجود است و زمان و مکان آن را نفی نمی‌کند. اثر معماری مورد نظر در مدرسه و محل‌های متفاوت گویی نوری واحد از ورای آن متجلی می‌شود (صایغ، ۱۳۸۰، ص ۱۷۹). در حقیقت هدف معماری اسلامی ایجاد فضایی است که بشر را در مسیر شناخت شان از لی خویش یاری رساند و چیزی بین انسان و حضور عینی خداوند فاصله نیندازد. «سید حسین نصر» نیز معتقد است که هدف، معماری مسلمین فقط از آن جهت مطرح نیست که مسلمین موحد آن بودند، بلکه چون از معارف اسلامی نشات گرفته است و انسان را به خلوت درونی الهام الهی رهنمون می‌گردد، مطرح بوده و بدین صورت توانسته فضایی ایجاد کند که یاد الهی را تجسم بخشد همان گونه که قرآن تصریح دارد

جدول ۱. مفاهیم حکمت براساس مطالعات پایان نامه؛ مأخذ: نگارندگان.

مشخصه	جدول مفاهیم حکمت براساس مطالعات و تعریف های فوق
تعریف	هدف نهایی شناخت محتوا و معنا
معرف وجود	انسان و ایمان به خدا عاملی مهم در روند شناخت
ارتباط با ابزه	ارتباط بین انسان و خدا عاملی تاثیرگذار و انکارناپذیر در روند شناخت
ارتباط با پدیده	ادراکات انسان ها و پیش داوری ها از عوامل مهم در حکمت
ارتباط با منطق و ذهن	قدرت تفکر و ذهن، از ارکان اصلی حکمت
نحوه شناخت و ارتباط	اندوخته های ذهنی، پیش داوری ها، تجارت و پیش فرض ها در کنار قدرت تعلق و ایمان انسان عامل اصلی شناخت

جدول ۲. مفاهیم پدیدارشناسی براساس مطالعات پایان نامه، مأخذ: نگارندگان.

مشخصه	جدول مفاهیم پدیدارشناسی براساس مطالعات و تعریف های فوق
تعریف	هدف نهایی شناخت واقعی (حقیقی) پدیده
معرف وجود	انسان عاملی مهم در روند شناخت
ارتباط با ابزه	ارتباط بین انسان و جهان عاملی تاثیرگذار و انکارناپذیر در روند شناخت
ارتباط با پدیده	ادراکات انسان ها و پیش داوری ها از عوامل مهم در پدیدارشناسی
ارتباط با منطق و ذهن	قدرت تفکر و ذهن، از ارکان اصلی پدیدارشناسی
نحوه شناخت و ارتباط	اندوخته های ذهنی، پیش داوری ها، تجارت و پیش فرض ها در کنار قدرت تعلق و انسان عامل اصلی شناخت

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Automn 2016

۱۴۳

پیش فرض ها و تبیین های رایج فارغ شده و شیوه ای برای شهود معانی ذاتی ارائه دهد. او در این راستا کوشید تا با به تعلیق درآوردن رویکردهای شناخت رایج که به نظرش سرچشممه کژاندیشی است، به آگاهی ناب نائل آید. پدیدارشناسی، به عنوان یک حرکت فکری و فلسفی، نقطه عطف بسیاری از روش های نقد معماری معاصر است. اساس پدیدارشناسی، رویکردی ناب و تازه به پدیده ها و دست یافتن به خود چیزها بوده و به عنوان یک رویکرد فلسفی، درک خاصی از مکان و فضای را بیان می دارد (پرتوی، ۱۳۹۲، صص ۶۲-۲۷). این رویکرد به وسیله معماران نیز در مباحث گوناگون مانند، مکان، فضا و هویت مورد استفاده قرار گرفته است. از دیدگاه فیلسوفان را، به یادگاری های جاودانه و استوار تبدیل ساخته است (بورکهارت، ۱۳۷۰، ص ۲۷). در نتیجه با وجود برخی تفاوت ها در معماری بناهای عبادی مختلف با بررسی تطبیقی میان فضاهای عبادی می توان به روح مشترک موجود در عناصر و کالبد معماری بناهای عبادی دست یافت که در (جدول شماره ۱) به اختصار به تعریف، تفکیک و ارتباط مفاهیم حکمت پرداخته شده است.

پدیدارشناسی

نظریه و روش پدیدارشناسی، در پی بحران های فلسفی در غرب توسط «ادموند هوسرل» ۲ مطرح شد. هوسرل که بر آگاهی، کنش و الزام های فرهنگی تاکید داشت، در تلاش بود تا خود را از

پدیدارشناسی روشی است برای شرح موقعیت بی واسطه و مستقیم چیزها که با آن می‌توان به درکی فارغ از پیش فرض و بدون پیش داوری دست یافت، و از دام پیش انگاشته‌های علمی، مذهبی، متفاوتیکی و روانشنختی گریخت (فلامکی، ۱۳۸۱، ۴۳-۴۴). در نتیجه از نگاه پدیدارشناسی، معماری اسلامی مبتنی بر حقایق عرفانی و الهی، فرازمان و فرامکان و یا ازلی و ابدی است، از این منظر اسلام دارای مولفه‌هایی است که فراتر از روح دوران و جدای از ارکان تاریخی موجب شکل‌گیری رویکرد خاص در معمار شده است، به طوری که این عناصر فکری را باید وابسته و محدود به شرایط تاریخی، حکومت و یا انگیزه‌های حاکمان دانست. در (جدول ۲) اصول و اجزا مفاهیم پدیدارشنختی بررسی و تحلیل شده است. در واقع هدف از این جدول، آشنایی با مولفه‌های پدیدارشنختی به عنوان روشی برای بررسی و شناخت معماری بنایی عبادی است.

قياس پدیدارشناسی و حکمت در روند شناخت
همانطور که پیشتر بیان گردید، حکمت واژه‌ای نسبتاً پر کاربرد، متداول و در عین حال مبهم است که با وجود مطالعات صورت گرفته پیرامون آن، هنوز معنای روشنی از آن محقق نگردیده است. به دلیل وجود این ابهام در معنا، بعضی مواقع حکمت، به رغم تمایز با پدیدارشناسی، معادل آن پنداشته می‌شود. به عبارتی پدیدارشنختی و حکمت مترادف و به یک معنا بکار می‌رود، اما با تأمل می‌توان میان آن دو تمایزهایی یافت. لفظ پدیدارشنختی، (شناخت پدیده) نوعی دانش خاص فلسفه گفته می‌شود، که بدون توجه خاص به هدایت و سعادت بشری و در صدد انکار خالق پدیده با قدرت عقل می‌باشد و حکمت در زبان عرب به معنای اتقان در عمل و باز داشتن از کجری است، زیرا حکمت واقعی بازدارنده انسان از تاریکی جهل و کجری و گمراهی است (محمد خواجه‌ی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۶). بنظر می‌رسد می‌توان با تحلیل و بررسی معنای

حکمت به عنوان روند شناخت و بیان ارتباط آن با پدیدارشناسی به عنوان روند شناخت فلسفی، به تمایز حکمت و پدیدارشناسی دست یافت. بنابر مطالعات صورت گرفته حکمت، مفهومی گسترده‌تر و عمیق‌تر از پدیدارشناسی داشته و به لحاظ منشا و قطعیت نیز نسبت به پدیدارشناسی، بهتر است. می‌توان نتیجه گرفت پدیدارشناسی علیرغم شباهت، از جهات مختلفی با حکمت متفاوت است و به لحاظ مبدأ و منبع پیدایش و مرجع شناخت هنر اسلامی، نمی‌تواند با حکمت هنر اسلامی هم‌عرضی کند. حکمت در روند شناخت در پی تکامل و رسیدن به حقیقت و ذات بوده در حالی که هدف پدیدارشناسی از شناخت پدیده یک نتیجه علمی و دست یافت نظری می‌باشد. در این راستا با تحلیل و جمع‌بندی مفاهیم حکمت و پدیدارشناسی بر اساس مولفه‌های موثر در روند شناخت (جدول ۳) حاصل شده است.

با توجه به مطالع قبلی و (جدول ۳) می‌توان کاربرد پدیدارشناختی را همسو با حکمت در نظر گرفت. یعنی معرفت و شناخت بشری از پدیدارها دانست، اگرچه در مفاهیم پایه باهم برابر نیستند، ولی هر دو در پی شناخت صحیح و مطلوب از پدیده می‌باشند و تمایز این دو روش شناخت در عمق نگرش‌هاست، زیرا یکی شناخت عین موجودات آنگونه که در ذات خود هستند می‌خواهد، و آن را معرفت وجود حق تعالی می‌داند، و دیگری در صدد شناخت خود پدیده بدون دخل و تصرف و صرفًا به پهنه‌گیری از قدرت عقل تکیه دارد. موضوع حکمت و پدیدارشناسی در معماری اسلامی از مباحثی است که اختلاف نظر زیادی میان اندیشمندان وجود دارد. برخی به وجود محتوای اسلامی در روند حکمت تمایز اعتقاد داشته و در مقابل، عده‌ای دیگر به عدم وجود محتوای اسلامی در روند پدیدارشناسی معتقدند. معماری اسلامی به عنوان مکتبی فکری و اعتقادی، حقایقی مفهومی را در حوزه معماری مطرح کرده است که به صورت عناصر و مولفه‌های

جدول ۳. تحلیل و مقایسه مفاهیم حکمت و پدیدار شناختی؛ مأخذ: نگارندگان.

مشخصه	حکمت	پدیدارشناسی
تعریف	خداآنده بعنوان محور اصلی	انسان محور اصلی
معرف وجود	ایمان و عقل رکن اصلی در شناخت	عقل رکن اصلی در شناخت
ارتباط با ابزه	در صدد یافتن مسیر سعادت بشر	کشف حقیقت علمی
ارتباط با پدیده	پدیده به عنوان مخلوق الهی و صاحب ارزش	پدیده به عنوان یک عنصر عادی برای شناخت
ارتباط با منطق و ذهن	علم الهی	دانش خاص فلسفه
نحوه شناخت و ارتباط	نهمه در ادیان و آفرینش	روش شناخت نوین سال های معاصر

نماد، کارکردهای فیزیکی و عملکردی و خصوصیات ظاهری و باطنی در اجزا تشکیل دهنده بنا قابل مشاهده است. سیر تاریخی معماری مساجد نیز خود روش‌نگر وجود حکمت در معنای متعالی آن می‌باشد. معماری و تزئینات وابسته به آن در هنرهای اسلامی نیز حائز اهمیت می‌باشند به طوری که معماری فضاهای عبادی همواره در تمام طول تاریخ دارای حکمت بوده است. در یک جمع بندی کلی می‌توان مظاهر ظاهری و محتوایی حکمت در آثار معماری را در موارد زیر خلاصه کرد:

- ۱- رفع نیاز بشر جهت ایجاد سرپناهی برای زندگی و مکانی جهت خلوت و عبادت و سایر نیازهای دیگر؛
 - ۲- توجه به جامعیت بنا با توجه به نیازهای بشری؛
 - ۳- توجه به عنصر مردم‌واری به معنای داشتن مقیاس انسانی در عناصر مختلف معماري؛
 - ۴- توجه به عنصر خودبسندگی به معنای این که معمار و سازنده بنا سعی بر آن دارد که مصالح ساختمانی و مواد مورد نیاز خود را از نزدیکترین مکان‌ها و با کمترین قیمت تهیه کند؛
 - ۵- پرهیز از بیهودگی به این معنا که معمار و سازنده بنا سعی می‌کند از به کار بردن مولفه‌های

ظاهری و محتوایی در بناهای عبادی انعکاس یافته است. این مولفه های بنیادی و ثابت را می توان طی فرایند شناخت حکمت آمیز و پدیدار شناسانه در کهن الگوها به صورت بصری مشاهده نمود که با توجه به هدف مقاله با تحلیل بناهای عبادی با مفاهیم حکمت و پدیدار شناسی این عناصر و مولفه ها حاصل شده است. بر اساس مطالب گفته شده مولفه های نهفته در معماری مساجد را هم از دیدگاه دین و اصول الهی حاکم بر آن در شکلگیری ساختار مساجد بررسی می کند و همچنین این ساختار را بوسیله روش شناخت معاصر بشری که مبتنی بر قدرت عقل مطلق بوده و متفاوت از روش حکمت آمیز است مورد واکاوی قرار می دهد. و بر اساس این روش ها برخی اشتراکات و تمایزهای این دیدگاه ها در مولفه های معماری مساجد حاصل شده است.

نگاه حکمی به معماری بناهای عبادی
معماری اسلامی هنری حکمی است و حکمت تنها
دانشی است که می‌تواند معماری اسلامی را درک
کند. حکمت معماری اسلامی به خصوص معماری
مسجد و کلیه ملزمات و کارکردهای آن را می‌توان
در دو بعد شکلی و محتوایی بررسی کرد. حکمت
شکلی، و محتوایی مساجد از لحاظ کاربرد

بی‌فایده خودداری کند. در واقع این اصل معماری قبل از اسلام وجود داشته و بعد از اسلام نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ و

۶- پیمون یا مدول که برای رعایت تناسبات در ایران و معماری کلاسیک یونان و روم به کار می‌رفته و وسیله تنظیم ابعاد و اندازه هندسه راهنمای معماری در تأمین مناسبات و هماهنگی اصولی است؛ ۷- درونگرایی، به معنای قرار دادن اندام‌های معماری و ساخت دیوارهای خارجی است، که ارتباط مستقیم بنا را با فضای خارج در درون خود با عنصری به نام حیاط میسر می‌کند، فضای درون گرا، از هر سو به داخل توجه دارد (پیرنیا، ۱۳۸۶، ۲۶-۳۶).

معماری مساجد در طول تاریخ از مفاهیم نام بده حکمت برخوردار می‌باشند. گاهی این مفاهیم در معماری تحت تاثیر شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه نقش پر رنگ دارد. معماری مساجد بدنبال الهام از مفاهیم کلام الهی و روایی است، تا فضایی ایجاد کند که عالم ملکوت (الله) معنا و عالم ناسوت (الله صورت، ملک و طبیعت) را با یکدیگر تلفیق نمود و فضای معنوی واحدی را خلق کند. گنبد، مناره، محراب و طاق در فرم‌ها و کتیبه‌ها و کاشی کاری‌ها و گچبری‌ها و کاربندي ها و نقوش، اشکال و رنگ‌ها همگی نشانه بارزی برای القای معانی پنهان هستند و مخاطب از طریق حضور در فضای معماری مساجد به درک شهدودی آن معانی نایل می‌شود. در (جدول ۴) به توضیح مختصر از حکمت و مسجد و سیر حکمت در آثار معماری مکان‌های عبادی پرداخته می‌شود تا به ارتباط بین حکمت و معماری مساجد دست یافت.

نگاه پدیدارشناسی به معماری بناهای عبادی
از دیدگاه پدیدارشناسی به ماهیت معماری اسلامی، تمامی عوامل حتی موارد موثر و تاثیر گذار در پدیده، از جمله ریشه‌های تاریخی، عوامل، شرایط و بسترها تحقیق آن مورد تحلیل قرار نمی‌گیرد و به جای بررسی واقعیت عینی و خارجی آن، به

تحلیل و ارزیابی عناصر خود پدیده بسته می‌شود. در شناخت پدیده، واکاوی و شناخت عناصر درونی و مکشوف پدیده، امری ضروری است و بررسی و شناخت هستی خارجی هنر اسلامی، از جمله بررسی عوامل تاریخی در تحقق آن، بیرون از قلمرو شناخت پدیدارشناسی قرار می‌گیرد، زیرا بررسی و شناخت از عینیت خارجی، نوعی توجه به هستی آن پدیده است و همان طور که اشاره شد در رویکرد پدیدارشناسی حذف هرگونه پیش فرض در پدیدارشناسی معماری، امری ضروری است.

«برای شناخت و تحلیل آثار معماری اسلامی از منظر پدیدارشنختی، می‌توان به سطوح عمیق تر و مفاهیم محوری موجود در آثار هنری که ماهیتش فراتر از اقلیم، محیط و زمان خاص است، دست یافت، عناصری که نسبت میان دین و هنر را در فرهنگ اسلامی بیان می‌دارد» (شیمل، ۱۳۷۶، ص ۳۶). با روش پدیدارشناسی، پژوهشگر آثار معماری اسلامی در پی آنست که آیا هنر اسلامی، بازنمایانه و طبیعت گرایانه است، یا هنری انتزاعی، تغییر شکل یافته، معنادار و نمادین که برگرفته از آرمان‌ها و ایدئال‌های تفکر اسلامی است و به طبیعت گرایی یا تقليید از واقعیت گراییش نداشته است. در شیوه پدیدارشناسی روش شناختی، نقطه آغازین بررسی و تحلیل اثر هنری اسلامی، فراتاریخی و بدون توجه به مقوله زمان می‌باشد و پدیدارهای معماری اسلامی، مجرد از بستر فرهنگی، اجتماعی و تاریخی، توصیف و بررسی گردیده و تفاوت در معماری اسلامی تمدن‌ها، در هسته درونی آنها جست وجو می‌شود، عواملی که به صورت شبکه‌ای و منسجم وجود دارد و پدیدارشناس به فهم درونی آنها دست می‌یابد. همچنین در میان مورخان هنر اسلامی، برخی نیز به عناصر فرازمان و فرامکان در هنر اسلامی اذعان دارند و بر این باورند که معماران مسلمان به اندیشه‌های جاویدان و مفاهیم ازلی که فراسوی زمان و برآمده از تفکر اسلامی است، توجه داشته‌اند، به عنوان مثال «آرتور پوب»^۳ معتقد است، هنرمند

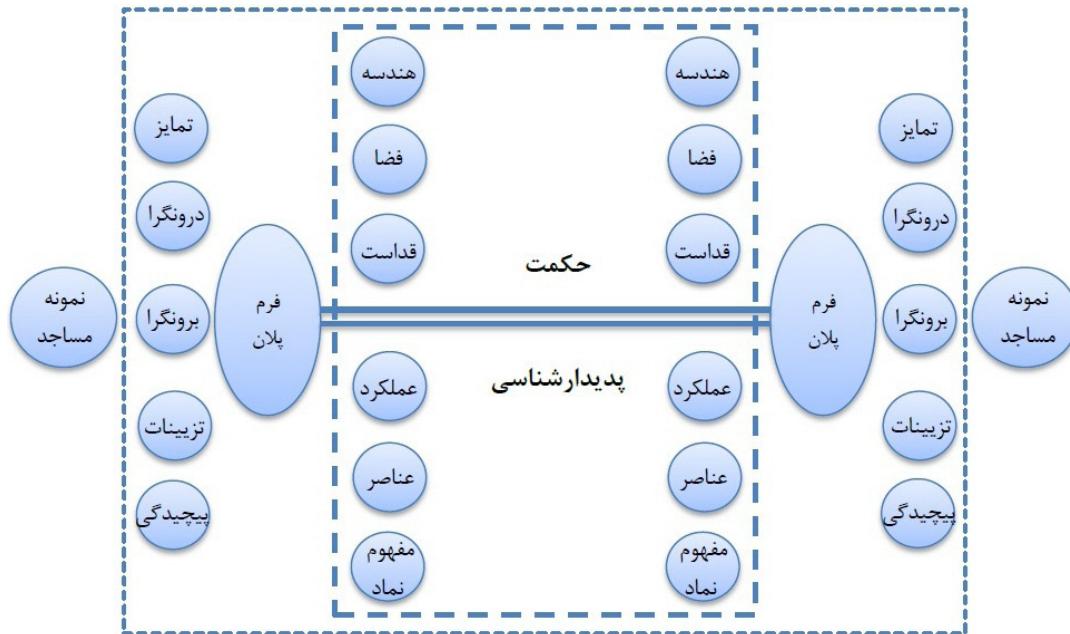
جدول ۴. حکمت در معماری فضاهای عبادی؛ مأخذ: نگارندگان.

مشخصه	جدول مفاهیم حکمت در شناخت بناهای عبادی
تعريف بناهای عبادی	شناخت روح و معنا حقیقی (خدا) در بناهای عبادی
معرف وجود بناهای عبادی	ایمان انسان عاملی مهم در روند شناخت بناهای عبادی
ارتباط ابژه در بناهای عبادی	درک ارتباط بین عناصر و فضاهای در بناهای عبادی عاملی تاثیر گذار و انکار ناپذیر در روند شناخت
ارتباط با بناهای عبادی	اعتقادات مسلمانان و اصول شرعی و دینی از عوامل مهم در شناخت معماری فضاهای عبادی
ارتباط با ایمان و دین	ایمان و اعتقادات فقهی و شرعی، از ارکان اصلی شناخت در بناهای عبادی
نحوه شناخت بناهای عبادی	ایمان در کنار قدرت تعقل انسان عامل اصلی شناخت روح مشترک در بناهای عبادی می باشد

جدول ۵. مفاهیم پدیدارشناسی در معماری فضاهای عبادی؛ مأخذ: نگارندگان.

مشخصه	جدول مفاهیم پدیدارشناسی در شناخت بناهای عبادی
تعريف بناهای عبادی	شناخت خود بناهای عبادی
معرف وجود بناهای عبادی	انسان عاملی مهم در روند شناخت بناهای عبادی
ارتباط ابژه در بناهای عبادی	ارتباط بین عناصر ظاهری در بناهای عبادی عاملی تاثیر گذار و انکار ناپذیر در روند شناخت
ارتباط با بناهای عبادی	عناصر کالبدی و قابل لمس عوامل مهم در پدیدارشناسی معماری فضاهای عبادی
ارتباط با ایمان و دین	مفاهیم کلی اسلام، از ارکان شناخت در بناهای عبادی
نحوه شناخت بناهای عبادی	ایمان، اندوخته های ذهنی، پیش داوری ها، تعلیق، تجارب و پیش فرض ها در کنار قدرت تعقل انسان عامل اصلی شناخت روح مشترک در بناهای عبادی می باشد

مسلمان در خلق اشر هنری به دنبال شیوه ای رها (پوپ، ۱۳۸۰، ص ۴). «جیمز دیکی»^۴ در تفسیر گنبد، باغ و نقوش تزیینی معتقد به وجود عناصر نمادین و تمثیلی در آنهاست و گنبد را نماد فلک، ایشان [مسلمانان] بیشتر در نمایش اشکال، طالب آن شیوه بود که از قید زمان و مکان آزاد باشد و طعم فنا ندهد، بلکه به سوی خلود و بقا میل کند» درختان بهشتی بیان نموده است (دیکه، ۱۹۷۸، ص



تصویر ۲. مولفه های کالبدی - محتوایی معماری مساجد؛ مأخذ: نگارندگان.

توان به کشف روابط درونی، ذاتی و ارتباطات آنها و کشف ماهیت و ذات مشترک پدیدارهای معماری دست یافت.

با توجه به اهمیت مولفه های اشاره شده (تصویر ۲) در فضاهای عبادی و اهمیت حضور این مولفه در ساختار، پلان و فرم که القا کننده حس مکان، روح مکان و حس فضا و عامل اصلی شناخت در طراحی و معماری بناهای عبادی می باشد، طبق (جدول ۶) این مولفه های شکلی و محتوایی با مفاهیم پدیدارشناسی و حکمتی مورد تحلیل و قیاس قرار گرفته است.

در این راستا جهت تحلیل و بررسی دقیق تر مولفه های ذکر شده در (جدول ۶) چند نمونه فضای عبادی انتخاب شده است. شاخصه انتخاب این نمونه ها بدین نحو است که بناهای انتخابی همگی در منطقه قدیمی و با ارزش تاریخی قرار داشته و به دلیل وجود نکات ظریف معمارانه از شهرت و توجه عمومی بین مردم و متخصصان معماری برخوردار بوده اند. ضمناً بنای نمونه های منتخب، ویژگی های بارز معماری دوره تاریخی خود را منعکس

از قالب های مدرن، مبتنی بر فرهنگ سنتی شرق و متأثر از ماهیتی روحانی و فراتاریخی می دانند که تمایز از معماری پس از رنسانس است (نجیب اوغلو، ۱۳۷۹، ص ۱۰۴).

جایگاه حکمت و پدیدارشناسی در مولفه های معماری فضاهای عبادی - نمونه های موردي
اگر معماری بناهای عبادی از دیدگاه حکمت و پدیدارشناسی تحلیل شود، آنچه قابل لمس و مشاهده هست، عناصر و مولفه های شاخص سازنده بنا است که برای رویکرد پدیدارشناسی پدیدار می گردد که این عناصر معرفت و حس مکان و فضا ما را به آن پدیده تشکیل می دهد و با شاخص کردن این مولفه های معماری، می توان به عینیت آن پدیده در میان بناهای عبادی دست یافت. با توجه به مفاهیم بیان شده حکمت و پدیدارشناسی، مولفه ها و عناصر شکلی و محتوایی مشترک معماری اسلامی، مهمترین رکن، تجزیه و تحلیل و بررسی محتوا و ساختار پدیدارهای معماری در بناهای عبادی مختلف با یکدیگر است و بدین روش می

میری شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۱۴۸

جدول ۶. بررسی موردهای شکلی و محتوایی با رویکرد پدیدارشناسی و حکمت؛ مأخذ: نگارندگان.

مولفه های شکلی و محتوایی	رویکردهای شناخت	
پدیدارشناسی	حکمت	
بیان زیبایی	مورد توجه در ادیان	تزریینات
استفاده از اشکال پایه	الهام گیری از فرم های مقدس	هندسه
القای حس مکان	بهره گیری از پلان ساده	پلان
بهره گیری در معماری مساجد	مورد تاکید اسلام	عوامل طبیعی (آب، خاک، نور، فضای سبز و ...)
عوامل موثر در روح مکان	برای تقویت حس مکان و فضای قدسی	عوامل مصنوعی (محراب، مناره، ایوان، صحن و ...)
استفاده از فرم ها و اشکال زیبا و متوازن	نشات گرفته از افکار مسلمانان (خدا)	زیبایی شناختی
مکانی با حس و حال خاص معنوی	ایجاد مکان قدسی	فضا-مکان
اعمال خاص مسلمین	ارتباط با خدا	عملکرد
عوامل اقلیمی و سایت طراحی	نحوه نگرش ها و عوامل اقلیمی	تمایز

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Automn 2016

۱۴۹

جدول ۷. انتخاب و بررسی نمونه فضاهای عبادی؛ مأخذ: نگارندگان.

بررسی نمونه فضاهای عبادی منتخب در مقاله		
مسجد آقا بزرگ کاشان	مسجد شیخ لطف الله اصفهان	مسجد کبود تبریز
مسجد شاه اصفهان	مسجد نصیر الملک شیراز	مسجد نسیم سالار تهران
آرامگاه شیخ صفی الدین اردبیلی		

نموده و تأثیر گذاری بسیار آنها در معماری اسلامی آن حاصل شده است. براساس تحلیل استنتاجی جدول فوق می توان به اشتراکات معماري مساجد دست یافت، برای نمونه استفاده از نور و رنگ در بسیاری از آثار معماري نه فقط اتفاقی نیست بلکه با نمادپردازی رنگ ها در معماری اسلامی مناسبت دارد. معماري اسلام از طریق نور، سایه و رنگ و موارد مشابه فضایی ایجاد نمود است که هم در صورت و هم در معنا اسلامی بوده است، فضایی که در آن اصول دینی و روحانی متجلی می شود و بر محیط زندگی روزمره انسان گرفت. و در مقوله تحلیلی جدول ۸ و دسته بندي

بناهای عبادی نسل های بعدی می باشد و در عین حال اطلاعات کافی و امکان مشاهده حضوری وجود داشته، بدین ترتیب از میان آثار معماري سبک های مختلف در ایران، تعداد هفت نمونه از مساجد مطابق (جدول ۷) انتخاب شده است. با توجه به تحلیل مولفه های فوق با مفاهیم حکمت و پدیدارشناسی به تحلیل این الگوهای در معماری مساجد نام برده پرداخته می شود. و بنابر اشتراکاتشان در طبقه بندی ها قرار خواهد داشت. و در مقوله تحلیلی جدول ۸ و دسته بندي

جدول ۸. بررسی موردهای بنایی عبادی با مولفه‌های شکلی و محتوایی با مفاهیم حکمی و پدیدارشناسی؛ مأخذ نگارندگان.

تمایز	عملکرد	فضا	زیبایی شناختی	عوامل مصنوعی	عوامل طبیعی	پلان	هندسه	تزيينات	تاریخچه	نمونه مساجد
برونگو، بدون مناره با کاشیکاری های معرق لاجوردی	مسجد	توجه به ارتفاع و عظمت در طرح	خلاصه باریک ترین	دو مناره باریک و بلند، ایوان مرتفع، حیاط بزرگ با طلاق نماهای زیبا	حوض بزرگ	بیجیدگی در نقشه و پلان	هندسه پیچیده، شبستانی	تنوع و طراحت کاشی کاری	قرن نهم (ق) قره قوبونلو	مسجد کبود تبریز
خلاصه در پهله گیری از نور	مسجد	توجه به ارتفاع	بصری	شیشه های رنگی، دو ایوان شمالی و جنوبی، زوج مناره کوتاه	نو و آب	دو شبستان شرقی - غربی	شبستانی	شیشه های رنگی، طاق های بلند، کاشیکاری و مقرنس کاری	قرن سیزدهم (ه) ق) قاجار	مسجد نصیر الملک شیراز
محل فرارگیری محراب و باز بودن مسجد از چهار طرف، سردر	مسجد و مدرسه	توجه به فضای و جسم	خلاصه سادگی	گذر از سادگی سردر، بادگیر، حوض، زوج مناره	گوдал باعجه	شبستان به عنوان فضای اصلی	عدم تبعیت از نظام هندسی سنتی معماری مساجد	کاشیکاری، کاربندي، رسمي بندی، بزدي بندی، مقرنس کاري و کارهای جوي	قرن چهارم (ه) ق) قاجار	مسجد آقا بزرگ کاشان
تقریباً بروونگار و ترکیبی همگن از سازه و معماری	مسجد	ایجاد فضای برابر ارتباط با انسان و انسان با انسان (القای فضای دنیوی)	حجم بسیار عالی و حل مشکلات موجود در طراحی به پهترین نحو	گنبد، جلوخان، محراب	بیجیدگی و ابداع در نقشه و پلان	هندرس قوی و ایجاد در نقشه و پلان	هندرس قوی و ایجاد، شکستن تقارن	کاشیکاری معرق	قرن دهم (ق) صفویه	مسجد شیخ لطف ا... اصفهان
دو گنبد و حل کردن انحراف محور قبله با محور میدان	مسجد	انتخاب و مکان یابی صحیح فضاهای	حجم بسیار عالی و حل مشکلات موجود در طراحی به پهترین نحو	گنبد، دو مهتابی، صحن و هشتی، جلوخان و دو مناره	حوض بزرگ و نور	چهار ایوانی با گنبد خانه	هندرس قوی و ترکیب بندی ایجاد، شکستن تقارن	مقرنس، کاشیکاری هفت رنگ با خشندی و استفاده از نقش چلچیا در ایوان مسجد	قرن دهم (ق) صفویه	مسجد شاه اصفهان
- گنبد خانه - چلچیا	مسجد و مدرسه	تداعی مساجد بیزانسی	تداعی مساجد ایرانی و عثمانی	ترکیب ایوان گنبد خانه و سه گنبد جنبی و دو گوشواره و نرده های دست ساز آهنه و مهتابی ها و بهار خواب های وسیع	حوض بزرگ و نور	معماری مساجد ایرانی و مساجد شهرهای استانبول	هندرس پیچیده با ترکیب حجمی	کاربندي، رسمي بندی، بزدي بندی، مقرنس کاري، کاشی های (معقلی)، هفت رنگ و خشندی و معرق)	قرن سیزدهم (ه) ق) قاجار	مسجد سپهسالار تهران
ترکیب عالی عملکردها	مسجد و مدرسه	ترکیب فضای طبیعی و مصنوعی	خانقاہ، مسجد و مدرسه	مراحل هفت گانه عرفان	ایوان، صحن، جنت سراء، چینی خانه	باغ مرکزی	سلسله مراتب	ساده و با رعایت تناسبات و سلسله مراتب	کاشیکاری، گچبری، کارهای چوبی و معرق	مجموعه شیخ صفی الدین اردبیلی

میری شهر

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۱۵۰

دارد، نقش مهمی دارد (نصر، ۱۳۷۰، ص ۱۸). این مورد در معماری قدسی اسلامی در زمینه هنرهای تجسمی در انواع مختلف و تزيينات بیش و پیش از هر چیز در قالب معماری مساجد نیز قابل مشاهده است، یکی فضایی می‌آفریند که کلام الهی در آن انعکاس می‌یابد و دیگری با خلق خطوط سطوح و حجم های ظریف و هنرمندانه در قسمت های مختلف مساجد از جمله ایوان، محراب، قوس ها و ... گویی صورت

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Automn 2016

۱۵۱

های همسو و یکسان شده است که این مولفه‌ها با توجه به دلایل مختلف مانند، ذوق، قریحه معماری و عوامل اقلیمی و قدرت‌های حاکم و ... تنوعی زیبا به معماری مساجد داده است. نمونه‌های معماری قدسی در محدوده فرهنگ ایرانی قبل از اسلام، با توجه به تعریفی که از معماری اسلامی و قدسی ارائه گردید همسو با معماری ایرانی و اسلامی می‌باشد. بعبارتی حتی اگر برخی آثار دوره اسلامی از نقطه نظر تکنیک معماری از اثری با ویژگی دوره ایران قبل از اسلام تاثیر پذیرفته باشند، این آثار را نیز می‌توان معماری قدسی محسوب نمود. نیاکان ایرانی ما در حصار زمانه خود نبوده‌اند که به آفرینش سبکی محلی و مقطعی پرداخته و به آن اکتفا کنند، سبکی که به دلیل همین ویژگی دیری دوام نمی‌یافتد و به زودی منسوخ می‌شود. آنان به خلق معماری بی‌زمان پرداختند که با ابدیت پیوند داشته است و به موجب همین پیوستگی، ارزش و اعتباری جاودانه یافت. عمق و غنای معماری ایران اسلامی به گونه‌ای است که تنها با پسندیده کردن به صورت و کالبد ظاهری آن، نمی‌توان به بواطن آن راه پیدا کرد، تنها آنان که با تفکر و مراقبه انسی دارند، قادرند به مفهوم حقیقی دست یابند، حکمت و پدیدار شناسی از روش‌های شناختی هستند که محقق را در جهت رسیدن به حقیقت یاری می‌کند.

براساس دیدگاه پدیدارشناختی، یکی از مهم ترین ویژگی معماری، جنبه کالبدی بخشیدن به اعتقادات و باورهایی است که عامل مهم در روند شکل‌گیری آثار معماری می‌باشد. در نتیجه در معماری قدسی، که تحت تاثیر مستقیم باورهای دینی بوده‌اند، می‌توان از وجود نقاط مشترکی در میان معماری بناهای عبادی مختلف سخن گفت که عامل اصلی در روند شکل‌گیری این نوع معماری می‌باشد. با توجه به مباحث مطرح شده در این مقاله در ارتباط با مقوله حکمت و پدیدار شناختی و جایگاه آنها در ایدئولوژی و معماری اسلامی، ملاحظه شد که علی‌رغم وجود تفاوت‌ها در نگرش معماری

و استقرار در قالب پیکره، یا شمایلی خاص همه جای هست و حضور دارد. با این وجود، هر چند ذوق و قریحه معماران مختلف به ظهور سبک‌های معماری متعدد منجر شده است، اما پیوندی عمیق که ریشه در فضای روحانی واحدی دارد، مساجدی متفاوت از نظر شکلی مانند مسجد کبود، مسجد جامع اصفهان و مسجد سپهسالار و ... را به هم می‌پیوندد.

نکته مهم در اینجا این است که اگرچه در همه مساجد سعی در ایجاد نمایشی از خلوص و ناب‌گرایی وجود دارد ولی عناصر سنتی نیز به عنوان وجهه هویتی در همه حال به صورت محدود به فرم‌های خالص و مکعبی اضافه شده‌اند تا هویت مسجد را به عنوان مکانی خاص و معنوی به مخاطب القا کنند. البته در مقابل شاخص‌های زیادی نیز وجود دارند که نمی‌توان آنها را به عنوان مشترکات سبکی معماری در این آثار نامید. در حقیقت بجز مولفه‌های شکلی سایر مولفه‌ها در بین مساجد نیز وجود دارند که در بین نمونه‌های موردي مساجد تحلیل شده مشترک بوده‌اند. به عنوان مثال بر اساس رویکرد زیبایی شناختی می‌توان نتیجه مشترک خاصی از تحلیل مساجد گرفت. همچنین شاخص‌هایی وجود دارند که تقریباً در همه مساجد فارغ از سبک‌های معماری ثابت هستند. به عنوان مثال عموم مساجد نسبت به عوامل مصنوع مانند انواع مناره، ایوان، صحن، محراب و ... و عوامل طبیعی مانند آب و حوض، نور، سایه و ... مشترک هستند و در بیشتر مساجد عناصر ثابت و تاثیر گذار روند طراحی می‌باشد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

طی مباحث مطرح شده، می‌توان گفت که معماری مساجد نمی‌توانند تأثیرهای جد بافتی از یکدیگر باشند و باید سایه‌ها و دریافت‌هایی از یکدیگر داشته باشند، یعنی سایه ساحت اول که ذات حضرت حق است، به روشنی در ساحت‌های انسانی و معنایی و مولفه‌های شکلی دیده می‌شود که توجه به ذات حق در معماری مساجد باعث بوجود آمدن مولفه

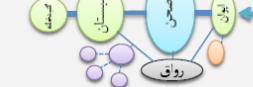
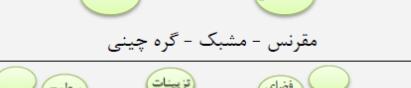
بعضی از این مولفه در دو قسم فرم و پلان تفکیک و مورد تحلیل قرار گرفته و به صورت شماتیک و قابل درک و مشاهده ترسیم شده است.

منابع و مأخذ

- ۱- بورکهات، تیتوس (۱۳۷۴). هنر عربی یا اسلامی؟. فصلنامه هنر شماره ۲۸.
- ۲- بورکهارت، تیتوس (۱۳۷۰) ارزش های جاویدان در هنر اسلامی. ترجمه آوینی، محمد. تهران: برگ.
- ۳- پرتوى، پروین (۱۳۹۲) پدیدار شناسی مکان. تهران: انتشارات متن.
- ۴- پوپ، آرتور (۱۳۸۰) شاهکارهای هنر ایران ترجمه پرویز ناتل خانلری. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۵- پیرنیا، محمد کریم (۱۳۸۶) سبک شناسی معماری ایرانی. بازنویسی غلامحسین معماریان. تهران: انتشارات سروش دانش، چاپ چهارم.
- ۶- دکی، جیمز (۱۹۸۷) معماری اسلامی جهان. نگارش: میشاپل، جرج، لندن.
- ۷- زرگر، اکبر و دیگران (۱۳۸۶) راهنمای معماری مسجد. تهران: نشر دید.
- ۸- شیمل، آنماری (۱۳۷۶) تبیین آیات خداوند: نگاهی پدیدارشناسانه به اسلام، ترجمه عبدالرحیم گواهی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۹- صایغ، سمیر (۱۳۸۰) هنر دینی: گواه پیام، راز و رمز دینی. مقالات ارائه شده در اولین کنفرانس بین المللی هنر دینی. تهران. تنظیم و ویرایش مهدی فیروزان. تهران: انتشارات سروش، چاپ دوم.
- ۱۰- فلامکی، محمد منصور (۱۳۸۱) ریشه ها و گرایش های نظری معماری. تهران: نشر فضا، چاپ سوم.
- ۱۱- مظلومی، رجیلی (۱۳۶۶) روزنه ای به با غ بهشت، جلد ۲، موضوع: سمینارها و نقدها درباره هنر اسلامی، نقد و تنظیم: رجیلی مظلومی. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه هنرهای اسلامی، چاپ اول.
- ۱۲- نجیب اوغلو، گل رو (۱۳۷۹) هندسه و تزئین مطلوب را به همراه داشته باشد. که در (جدول ۹)

بناهای عبادی مختلف نسبت به این موضوع، خطوط مشترکی نیز در نگاه آنها نسبت به معماری اسلامی وجود دارد که در شکل گیری بناهای عبادی آنها نقش اساسی داشته اند. بنابراین همان گونه که می توان از وجود حکمت در معماری اسلامی به صورت خاص سخن به میان آورد، در حوزه معماری بناهای عبادی نیز نکات مشترکی وجود دارد که نشانگر وجود حکمت در اندیشه معماران و آثار آنها است. نکته حائز اهمیت در اندیشه معماران و آثار معماری اسلامی این است که اگرچه در همه مساجد سعی در ایجاد وحدت و قداست وجود دارد ولی مولفه های معماری به عنوان وجه هویتی در همه حال به صورت محدود وجود دارد که مسجد را به عنوان مکانی خاص و معنوی به مخاطب القا کند. اما مولفه های معماری نهفته دیگری وجود دارد که نمی توان آنها را اشتراکات معماری محسوب کرد. در حقیقت بجز عناصر ظاهری و قابل رویت در معماری مساجد، سایر مولفه های نهفته و پنهان در بطن معماری مساجد وجود دارند که در بین نمونه های موردي تحلیل شده قابل درک و لمس می باشد، شاخص هایی که تقریبا در همه مساجد فارغ از سبک های معماری ثابتند ولی از نظر کالبدی حضور بصیری ندارند. در حقیقت این مولفه ها عامل شناخت و درک مخاطب از معماری و فضای قدسی مساجد می باشد، که هدف این مقاله، گزینش مولفه هایی از معماری مساجد و دستیابی به ارتباطی موزون میان آنها بوده است، مولفه هایی که در بسیاری از مساجد ساخته شده معاصر که عمدتا یک فرم فکرناشده در آن به کاررفته، دیده نمی شود. انتظار بر طراحی مساجد معاصر این است که در ابتدا سلسله مراتب طراحی براساس نظام معنایی در نقشه ها دیده شود و از دیگرسو استفاده از مولفه ها و رویکردی مناسب در خطوط طراحی (ارتفاعی و احجام به کاررفته، کاربرد فرم های پایه مربع و دایره و تلفیق مطلوب این دو و ...) می تواند رویکردی مطلوب را به همراه داشته باشد. که در (جدول ۹)

جدول ۹. مولفه های مشترک بنایی عبادی؛ مأخذ: نگارندگان.

پدیدار شناسی معماری مساجد		
پلان	فرم	
 <p>سلسله مراتق ورود و ارتباط فضایما</p>	 <p>اتحاد آسمان و زمین → آسمان (عالی ملکوت) زمین (جهان فانی)</p>	قداست و خلوص در فرم های اصلی
 <p>توجه به اقلیم و بهره گیری از نقاط ضعف و قوت آن در طراحی</p>	 <p>بیان مساحت، محواب، تکید خانه، بیان ورودی، معرفت، استئنا، توحید، حیرت، فنا</p>	تعالی و عروج
 <p>جهت یابی و استقرار بنا نسبت به قبیله</p>		وحدت و یکپارچگی
 <p>پیچیدگی و تنوع در شیوه ساخت</p>	 <p>رمز و نماد</p>	شاخ بودن
 <p>انواع کاربری ها و ارتباط آنها با مسجد</p>		هنر و بکار رفته در مساجد
 <p>فضای پر و خالی، عملکردها (ثبت و منفي)</p>	<p>کثرت در وحدت و وحدت در کثرت (وحدانیت) - رنگ، نور، نقش شمسه - «فضای خالی» یا «نهی بودگی» - سادگی و کمال - رمز و راز</p>	مفهوم و نماد نهفته در معماری مساجد
 <p>تناسبات فضایی و جانمایی عملکردها</p>		فناوری ساخت عناصر
 <p>مسیر های حرکتی در فضاها (یک محور خطی اصلی)</p>		تنوع هنر به کار رفته در ظاهر و باطن
 <p>ارتباطات اصلی بین عملکردها</p>		پدیدار شناسی ارتباطات مفاهیم کلامی
 <p>درونگرا - برونگرایی</p>	<p>مقرنس - شبک - گره چینی</p> 	تنوع تزیینات
 <p>پدیدار شناسی عناصر الفا کننده حس مکان</p>		پیچیدگی در کالبد بنا
 <p>پدیدار شناسی عناصر الفا کننده حس فضا</p>		پدیدار شناسی عناصر الفا کننده حس تعلق

مدرس شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۱۵۳

- Tehran: Matn.
- 26- Pirnia, Mohammad Karim. 1386. Style of Iranian architecture. Rewrite Gholam Hosein Memareian Tehran: surush Danesh.
- 27- Pope, Arthur, Iranian masterpieces of art. 1380. Translator Parviz Natel KHanlari. Tehran: Cultural and Scientific Publications.
- 28- Saiegh, Samir.1380. Religious Art: Witness Inquiry, Religious Mysteries. Offered Articles At Religious Mysteries The first International Conference. Tehran.
- 29- Schimmel, Annemarie. 1376. Explaining the Signs of Allah: Phenomenological view to Islam. Translator Abdolrahim Ghovahi. Tehran: Islamic Culture Publications Office.
- 30- Zargar, Akbar And others, 1386. Mosque Architecture Guide, Tehran: Did.
- در معماری اسلامی. ترجمه Mehrdad Qiyomی بیدهندی. تهران: نشر روزنہ.
- ۱۳- نصر، سید حسین (۱۳۷۰) سنت اسلامی در معماری ایرانی در جاودانگی و هنر. ترجمه آوینی. تهران: انتشارات برگ.
- ۱۴- نصر، سید حسین (۱۳۷۵) صدرای شیراز در تاریخ و فلسفه اسلامی. به کوشش محمد شریف. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۵- هیلن براند، رابت (۱۳۸۰) معماری اسلامی. ترجمه باقر آیت الله زاده شیرازی، تهران: نشر روزنہ.
- 16- Burckhardt, Titus, 1374. Arabic art Or Islamic? Art Quarterly. 28.
- 17- Burckhardt, Titus, 1370. Immortal values in the Islamic art. Translator, Avini. Tehran: Barg
- 18- Dickie, James. 1978. Architecture of the Islamic World. Edited by Michell, George; London, Thames & Hudson.
- 19- Falamaki, Mohamad Mansur. 1381. Roots and theoretical tendencies of architecture. Tehran: Faza.
- 20- Hillenbrand, Robert, 1380, Islamic Architecture. Translator Bagher Ayat Allah Zade Shirazi, Tehran: Rozaneh.
- 21- Mazlumi, Rajabali. 1366. An Opening to the Garden of Paradise, Volume 2, Subject: Seminars and critiques about Islamic art, Review and Adjustment: Mazlumi, Rajabali. Tehran: University Jihad.
- 22- Najib Oglu, Golru. 1379. Decoration And geometry Of Islamic architecture. Translator Mehrdad Gayumi Bidehendi. Tehran: Rozaneh.
- 23- Nasr, Seyyed Hossein. 1375. Islamic art and spirituality. Translator Rahim Ghasemian. Tehran: Office of Religious Studies Art.
- 24- Nasr, Seyyed Hossein. 1376. Sadra of Shiraz on Islamic History And philosophy. 1376. Tehran: Academic publishing.
- 25- Partovi, Parvin. 1392. Phenomenology places.

میری شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۱۵۴